

# نوروز در هزارتوی تاریخ

○ پیام ذکری

○ نوروز  
○ حسین امینی سام  
○ مؤلف، ۱۶۸ صفحه،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ما همیشه به نوروز نظر داشته‌ایم. در عین اینکه نوروز جان ما را می‌نوازد و بهجت و سروری خاص از نو شدن به ما دست می‌دهد، ذهن ما نوروز را می‌شکافد و می‌خواهد سر از چیستی آن درآورد، می‌خواهد بداند که چرا ما نوروز را عزیز می‌داریم؟ آیا به راستی دوست داریم که در اثنای این عید، خود را به زمان مقدس پیوند دهیم و یا گریز از سنگینی زمان و تهی شدن از آن مایه سازوکار برای برپایی و تلاش برای تداوم آن است؟

در رساله کوچک ماه فروردین روز خرداد - که چندین بار از پهلوی ساسانی به فارسی ترجمه شده - درباره کارهای بزرگ و کوچکی که در این روز (روز ششم فروردین) انجام شده یا انجام خواهد شد مطالبی در نهایت ایجاز آورده شده است. اگرچه این رساله به نقل روایاتی می‌پردازد که همگی

سعی دارد تاریخ نوروز را از هزار توی تاریخ بیرون کشد و آن را برهنه، در برابر چشمان ما قرار دهد. مؤلف ابتدا به توصیف جغرافیای طبیعی ایران پرداخته و مطابق معمول حدود و ثغور و کم و کیف این سرزمین دیرسال را رسم کرده است و گاه به جغرافیای سیاسی سرکی زده و به کوتاهی به اهمیت فلات ایران در منطقه پرداخته و باز همان نکته مکرر را مکرر کرده که سرزمین ایران از دوران باستان، مرکز بزرگ ارتباط اقوام گوناگون بوده و مانند پلی در قلب آسیای مرکزی و آسیای غربی و به طور کلی مشرق را به مغرب به وسیله قدیمی‌ترین جاده‌ها متصل و سبب گسترش تجارت شرق و غرب می‌گشته است (ص ۱۲۰) مؤلف در بخش اول بدون هیچ تمهیدی به ردیف کردن نام ماه‌های دوازده‌گانه ایران باستان پرداخته است،

آنها در این روز اتفاق افتاده‌اند و همگی باعث و دلیل بزرگی این روز شده‌اند. اما، این روایات خود می‌تواند پاسخی تلویحی باشد به چیستی و ماهیت نوروز، همچنان که نویسندگان عهد اسلامی نیز ذهنشان متوجه این مسئله بود و دوست داشتند با نقل مطالبی جان خود را نسبت به مسئله نوروز قانع کنند. کتاب نوروز اگرچه این خیال را ندارد که سوالات بی‌شمار درباره نوروز را پاسخ دهد، اما

بی آنکه مشخص کند این ماه‌ها در کدام منطقه یا کدام دوره رایج بوده‌اند؟ و در ادامه دوباره نام روزهای سی گانه و معنای لغوی آنها را توأم با آوانویسی لاتین آورده است. در بخش شش گاهنبار، نام هر شش جشن و زمان هر کدام به تفصیل آورده شده و در صفحات بعد، مؤلف باتوجه به معنی تحت‌اللفظی، هر کدام از شش گاهنبار، زمان آنها را تشخیص داده است. در بخش بعدی، فروردگان، به تبیین پیوند گسست‌ناپذیر جشن فروردگان و نوروز پرداخته و زمان آن را آخرین پنج روز سال نوشته و آن‌گاه چنین آورده است: برای آن که بدانیم فروردگان به چه پایلی استوار بود باید نخست به واژه فیه‌ینگریسم... جشن

#### فروردگان

زمان نزول فروهرهاست... برای دیدن بازماندگان، نظیر این جشن در دیگر ادیان کهن و نو دیده می‌شود و آن را عید اموات گویند. در نزد هندوان ستایش نیاکان پتیا را شباهتی به فروردگان ایرانی دارد. رومیان نیز ارواح مردگان را به نام مانس... تصور کرده، فدییه نثار آنان می‌کردند (ص ۳۰). از خود اوستا بر می‌آید که این عید از زمان قدیم ده روز بوده است (ص ۳۰). چگونگی تکوین این ده روز و نیز چگونگی برپایی جشن فروردگان در سغد از زبان ابوریحان نقل می‌شود. در بخش تاریخچه نوروز به زمان برپایی نوروز و مدت و نحوه برگزاری مراسم در دربار شاهان، به اختصار، پرداخته و سپس به ابعاد نوروز در ساحت اسطوره اشاره می‌گردد: در این روز خداوند مشتری را بیافرید... کیخسرو بر هوا عروج کرد (ص ۳۸)، و به تفصیل به کارهای شگفت‌انگیز جمشید در این روز می‌پردازد، در صفحات چهل و دو تا چهل و چهار ترجمه متن پهلوی ماه فروردین روز خرداد از روی ترجمه اکبر صادق کیا، مترجم در ایران کوره شماره ۱۶، تماماً نقل شده است.

در بخش جشن نوروز جمشید شاه پیشدادی نوشته شده: به طور کلی برپایی نوروز را همه نویسندگان و مورخین و سخن سرایان به جمشید پیشدادی نسبت داده‌اند. و بعد از فردوسی، طبری و مسعودی، مسکویه‌رازی مطالبی را در

آن پرداخته است. در صفحه هفتاد و چهار مؤلف گویا فراموش کرده که در چند صفحه پیش با قاطعیت درباره برپایی و بزرگداشت نوروز در عهد هخامنشی سخن گفته بود، نوشته است: اگرچه آگاهی دقیقی از نوروز دوره هخامنشی در دست نیست، اما در اینکه آیین‌های این جشن فرخنده در آن روزگار مرسوم بوده است، تردیدی نیست. (ص ۷۴) و در صفحه هشتاد به نقل از آ. یو. بوپ کاخ تخت جمشید را نمونه کعبه دینی می‌داند و می‌نویسد که در این مجموعه مقام شهر خدایی در زمین داشته نماینده شهر آسمانی شناخته می‌شده و سراسر آن حاکی از این بوده است که قدرت شاهی را اهورامزدا به ودیعه به شاه

#### داده

است. و بعد به تفسیر شمایل و نقوش مجموعه پرداخته است. کنگره‌ها نمودار کوه مقدس است. اعتقاد به کوه برای مدت چند هزار سال نقش بسیار مهمی در چگونگی اندیشه دینی و عملی مردم باستانی مشرق زمین داشته است... ستون‌ها نماد درخت است.

در بخش نوروز در دوران اشکانیان، مؤلف با اشاره به اینکه در این دوران هیچ آگاهی‌یی در باب نوروز نداریم، ردپای نوروز اشکانی را در داستان ویس و رامین دنبال می‌گیرد، به زعم اینکه این داستان مربوط به دوره اشکانی است.

در بخش نوروز در دوران ساسانیان، چنین آمده که در این دوره در دربار ساسانی این جشن با شکوه و جلال بسیار برپا می‌شد، و نویسندگان اسلامی که به دوران ساسانیان نزدیک‌تر بودند مفصلاً آن را بیان کرده‌اند، مؤلف در این بخش مطالبی را از سیرالملوک خواجه نظام‌الملک نقل کرده که دارای برجستگی خاصی است و آن عبارت است از اینکه شاهان ساسانی چگونه در نوروز داد مردم را می‌داده‌اند و سخن را به اینجا رسانیده که از وقت اردشیر تا به روزگار یزگرد همه بر این جمله بودند. یزگرد روش پدران [یعنی دادگستری ایشان] را بگردانید و اندر جهان پیدا کردن



#### این باب

نقل کرده و در پایان این بخش سبب پیدایی نوروز را به اختصار از زبان عمر خیام بیان کرده است.

در بخش نوروز در دوران هخامنشیان، مؤلف با اصرار قاطع نوشته است: در دوران هخامنشیان جشن نوروز باشکوه و بزرگی ویژه‌ای برگزار می‌شده است. و در این ارتباط به سنگ نگاره‌های پلکان‌های شرق و شمالی کاخ تخت جمشید استناد می‌کند. در همین بخش مؤلف نام ماه‌های دوازده‌گانه روزگار هخامنشی را بر می‌شمارد و دستگاه گاهشماری و ترتیب آغاز سال را با استناد به اقوال مارکوآرت و تقی‌زاده پی می‌گیرد و تقریباً خلاصه‌ای از مقاله نوروز همین نویسنده اخیر را نقل می‌کند. مؤلف به بهانه ذکر نام هخامنشیان فرصت را غنیمت شمرده و به تشریح کاخ تخت جمشید و چگونگی کشف بخش‌هایی از



● کتاب عشق و شعبده  
● نغمه نمینی  
● نشر مرکز، ۱۳۷۹

درباره هزار و یک شب با تمام شهرت و اهمیتش، هنوز پژوهش‌های تحلیلی و نظری ادبی به قدر کافی انجام نشده است و هنوز به درستی همه ابعاد و وجوه این اثر شگفت‌انگیز را نشناخته‌ایم. کتاب حاضر کوششی است در این راه، که چند زمینه از عرصه پهناور پژوهش‌های لازم درباره این کتاب را بررسی کرده است.

زمینه‌هایی مانند: نام کتاب، عناصر ایرانی و هندی و عربی هزار و یک شب، ساختمان قصه‌ها، شخصیت‌ها، زبان کتاب، رمزها و نشانه‌ها، هزار و یک شب و نگاه اخلاقی، جنبه‌های دراماتیک، تقسیم‌بندی مضمونی داستان‌ها (عاشقانه، جنایی، سفری، قصه‌های جن و پری، اخلاقی و عبرت‌آموز). در پایان کتاب، خلاصه‌ای از همه قصه‌های هزار و یک شب آمده است.

فیروز قرار می‌گیرد و ما نیز از یادآوری آنها در می‌گذریم. (ص ۱۱۶) در بخش چهارشنبه سوری، مؤلف میدان را برای جولان باز دیده و به بیان تقدس آتش نزد ملل و به ویژه ایرانیان پرداخته و حتی به چگونگی کشف آتش براساس شاهنامه پرداخته و ایضاً گشتی هم در سه آتشکده معروف ایران کهن زده است.

هم چنین به مطالبی درباره تخت تاق‌دیس آتشکده آذرگشسب پرداخته و چنین استنباط کرده است که این تخت عجیب مادر تلسکوپ‌های نجومی امروز است و به عبارت دیگر، این تخت یک آسمان یا Planetarium است و در پایان توضیحاتی درباره چهارشنبه سوری، قاشق‌زنی و فالگوش آورده است که تکراری و آشناست. در بخش خوان نوروزی سفره هفت سین، مطالبی گردآوری شده است. در آیین‌های باستانی برای هر جشن یا هر مراسم مذهبی خوانی گسترده می‌شد که علاوه بر آلات و اسباب نیایش مانند آتشدان و غیره فرآورده‌های هر فصل و خوراکی‌های گوناگون نیز بر خوان نهاده می‌شد، زیرا خوردن خوراک مذهبی یکی از رسم‌های دینی بود. در ادامه از قول مرحوم دکتر فره‌وشی نوشته شده: معمولاً به نام هریک از امشاسپندان یک قاب منقش بزرگ سینی نهاده می‌شد و در قاب‌های دیگری چیزهای دیگر می‌نهادند و آنها را در پیرامون خوان می‌گذاشتند. ایضاً در بحث مراسم تحویل سال نو به بیان مطالبی پرداخته که آشنای همگان است. و مطالبی نیز که درباره سیزده و گردش آن نوشته شده از همین دست است. جز اینکه چون سیزدهمین روز ماه برابر تیرروز است و مطالبی درباره تیراندازی آرش. در بخش چهارم خلاصه‌ای از بخش‌های سه گانه کتاب به زبان‌های انگلیسی و آلمانی ترجمه شده و مقاله‌ای نیز به آلمانی به نام جشن نوروز در آلمان در سال ۱۳۴۷ آورده می‌شود.

ویژگی عمده کتاب نقل قول‌های بی‌پایی است که مؤلف از آنها به عنوان حشو (آگنه) استفاده کرده است. این کتاب از اغلاط مطبعی خالی نیست و بعضی از اغلاط آن اصل موضوع را مخدوش می‌کند، مثلاً، در صفحه ۸۴ نوروز قطبی غلط است و به جای آن قطبی درست می‌باشد. این کتاب غلط نامه ندارد.

آدین (آیین) و سنت‌های بدنهاد و مردمان در رنج افتادند و نفرین و دعای بد متواتر شد.

در همین بخش مؤلف به معرفی آهنگ‌های نوروزی در دوره ساسانی، با استفاده از تحقیقات مرحوم حسینی ملاح، پرداخته و الحانی را که در نوروزها تغنی می‌شده نقل کرده است. و در باب آیین‌های همگانی در دوره ساسانی به نقل سخنان مرحوم دکتر صفا پرداخته است که: «از رسوم عمومی در این عهد آتش افروختن بود و... آب ریختن بر یکدیگر، کاشتن سبزه‌ها بر هفت ستون». در بخش نوروز در دوران اسلامی، چنین گزارش شده که پس از پذیرفتن اسلام توسط ایرانیان... تعصب بسیار فرمانروایان تازی و ترک، ایرانیان دست از نوروز باز نداشتند و با کوشش خستگی‌ناپذیر خود توانستند آداب و عادات و آیین‌های نوروزی را همچنان برپا دارند. و برای حفظ آیین جشن آن را با دوران جدید تطبیق دادند؛ چنان که در رساله محمدبن شاه مرتضی معروف به ملامحسن فیض در روایت معلی بن خنیس از امام جعفر صادق چنین نقل شده که معلی در روز نوروز از امام درباره این روز پرسید و آن امام نیز به وقایعی که در این روز اتفاق افتاده بود اشاره کرده بودند که همگی دال بر عظمت آن روز بود: از جمله خدای تعالی از ارواح بندگان خود عهدنامه گرفت که او را بندگی نمایند... روزی است که کشتی نوح (ع) به زمین نشسته است. روزی است که ابراهیم (ع) بت‌ها را شکسته است... این روز به ما و شیعیان ما نسبت دارد، عجمان آن را حفظ کردند و شما ضایع کردید... و جالب‌تر از همه نقل نام روزهاست از زبان امام جعفر صادق (ع). در صفحه ۹۹ مؤلف با بی‌حوصلگی هرچه تمام به بیان جشن نوروز در عهد غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان، در چند خط، می‌پردازد، و نوشته است که پس از حمله مغول علی‌رغم ویرانگری‌ها و کشتارهایی که آن قوم در ایران به راه انداختند، ایرانیان این عید را پناهگاه و دست‌آویز خود ساختند و شماری برای نمایان ساختن روح خود قرار دادند (ص ۹۹).

در بحث نوروز در دوران صفویان آمده که در آن دوران نیز نوروز با شکوه خاصی برگزار می‌شده است. آنچه در این عهد حائز اهمیت است آن است که این را به مسایل دینی ربط داده بودند. (ص ۱۰۱) برای کیفیت نوروز در این عهد به نقل مطالبی از سفرنامه شاردن و کمپفر انگلبرت اکتفا کرده است.

در بخش نوروز در دوران قاجار نیز مؤلف به جای ارائه تحقیقی در این باب، به نقل از یادداشت‌های یاکوب ادوارد پولاک، به اختصار، پرداخته است.

در بخش سوم کتاب مؤلف به کیفیت آماده شدن برای برقراری جشن‌های نوروز پرداخته و به طور کلی و بدون توجه به اختلافات ریز و درشت مراسم نوروز در نواحی مختلف ایران، به ذکر کارهای مردم در نوروز امروز ما پرداخته است، آمدن حاجی فیروز به کوی و برزن و نقل بعضی از اشعار وی. طرفه آنکه مؤلف نوشته: شعرهایی دیگر نیز در گذشته خوانده می‌شده که امروز کمتر مورد استفاده حاجی